

بازیابی روایات کتاب «التفسیر» علی بن ابی حمزه بطائنی

۱ علی راد

۲ سید علیرضا حسینی

۳ مرضیه جمالی

چکیده

از مهم‌ترین ویژگی‌های حدیث شیعه، مکتوب بودن آن است. احادیث اهل بیت علیهم‌السلام از زمان صدور به وسیله اصول و کتب شیعیان به سده‌های بعد منتقل می‌شد، تا اینکه از سوی مؤلفان جوامع حدیثی، به ویژه صاحبان کتب اربعه، تدوین و تبویبی منظم یافت و از آن زمان، منابع و مصادر کهن اندک اندک به دست فراموشی سپرده شدند. امروزه نیز با استفاده از روش‌های گوناگون می‌توان این مصادر کهن را بازیابی کرد.

کتاب التفسیر علی بن ابی حمزه بطائنی با توجه به گزارش‌های رجالیان تا قرن پنجم وجود و شهرت داشته که به مرور زمان با توجه به حوادث زمانه مفقود و از بین رفته و اکنون اثری از آن باقی نمانده است. در این مقاله کوشش شده با استفاده از روش اسنادشناسی به بیان مصادر بازیابی شده بپردازیم که در مجموع ۲۴ مصدر بازیابی شده است و در نسبت سنجی این متون با اثر مفقود می‌توان گفت که مأخذ و منبع اولیه این روایات تفسیری، کتاب التفسیر علی بن ابی حمزه بطائنی است.

کلید واژه‌ها: علی بن ابی حمزه بطائنی، کتاب التفسیر، بازیابی، روش اسنادی.

۱. استاد یار دانشگاه تهران (پردیس فارابی). ali.rad@ut.ac.ir

۲. مدیر گروه رجال مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۳. کارشناسی ارشد، تفسیر اثری، دانشگاه قرآن و حدیث قم.

مقدمه

شیعه از ابتدای سال‌های صدور حدیث، به کتابت آن پرداخته و ترغیب ائمه به کتابت حدیث، از نخستین قرن‌های هجری نشان از آن دارد که میراث حدیثی شیعیان، میراثی مکتوب بوده است. در سایه تلاش ائمه، مکتوباتی همچون: اصل، نسخه، جزء، کتاب به وجود آمدند. این کتاب‌های اولیه بعدها دست مایه اصحاب حدیث شد و اندک اندک، کتاب‌های جامعی چون کتب سی‌گانه حسین بن سعید و علی بن مهزیار به وجود آمد. این سیر ادامه داشت تا اینکه با پیدایش جوامع حدیثی چون کتب اربعه به نهایت کمال و شکوفایی خود رسید، افزون بر تنظیم و ترتیب میراث شیعه و شکوفایی آن، تدوین جوامع حدیثی اثرات دیگری را نیز در پی داشت؛ از جمله اینکه به دلیل شهرت این جوامع در میان شیعیان و ملاک و مبنا شدنشان، مصادر آنها، یعنی اصول و کتب اولیه، به دست فراموشی سپرده شدند و بسیاری از آنها در اثر حوادث زمانه از بین رفتند (بازیابی منابع تفسیر قمی، ص ۱۱۴).

بر این اساس، هر چند امروزه این اصول و کتب در دسترس نیستند، اما بخش عمده‌ای از متون آنها در کتاب‌های حدیثی گوناگون نقل شده است؛ به گونه‌ای که می‌توان با مصدرشناسی در کتاب‌های پسین، مقدار قابل توجهی از متون نخستین را بازیابی کرد.

دکتر مدرسی طباطبایی درباره شیوه بازیابی مصادر کهن و مکتوب شیعه چنین می‌نویسد:

در جای خود این مطلب ثابت است که مجامع متقدم حدیث، بیشتر مطالب خود را از نوشته‌های پیشین برگرفته‌اند و غالباً اسناد این روایات نشانگر طریق دستیابی مؤلفین آثار بعدی به کتاب‌های پیشین است نه سند نقل شفاهی نقل‌ها. به نظر می‌رسد که اگر روایتی با همان اسناد که در کتاب‌شناسی‌های قدیم شیعی برای دفاتر حدیثی ائمه ذکر شده و یا دست‌کم به همان راوی اعلی که فهرست‌ها به عنوان راوی کتاب از مؤلف معرفی می‌کنند استناد داده شده باشد، به احتمال زیاد از همان اثر مکتوب سرچشمه گرفته است. همین مطلب در مواردی که شمار زیادی روایت از یک مؤلف متقدم، به سند واحد نقل شود و نیز در مواردی که از یک مؤلف، هم‌زمان با چندین سند که همواره یکسان‌اند نقل شود، صادق است. حلقه مشترک نیز در این مورد به احتمال زیاد، یک دفتر، حدیثی مکتوب است (میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۱۳ و ۱۴). این مهم‌ترین راه منبع‌یابی کتاب‌های حدیثی موجود است (بازسازی متون کهن حدیث شیعه، ص ۳۷۹ و ۴۳۰).

البته در این زمینه باید به دو نکته توجه داشت؛ نخست، اثبات وجود اثر مکتوب منتسب به راوی (که از طریق جست و جو در کتب فهرست، اجازه و... قابل اثبات است) و دیگر، اثبات انتساب متن یا حدیث مورد نظر به همان اثر مفقود (که نیازمند به کارگیری قواعد و اصولی چند می‌باشد)، در سال‌های اخیر، این موضوع سبب تلاش‌های علمی جدید توسط محققان و کشف و معرفی قواعد و اصولی جهت بازیابی متون مفقود گردیده است.^۱ بنابراین، بازیابی و یافتن مصادر اولیه جوامع حدیثی فوایدی را نیز دربردارد که مهم‌ترین آن بازسازی پاره‌ای از مکتوبات از دست رفته شیعه است. ما در این پژوهش با استفاده از روش اسنادشناسی به دنبال این هستیم که چه مقدار از روایات کتاب التفسیر علی بن ابی حمزه بطائنی قابل بازیابی است و مصادر بازیابی آن کدام است؟ و اینکه آیا منبع اصلی این روایات کتاب التفسیر علی بن ابی حمزه بطائنی است یا خیر؟ و همچنین اینکه این روایات از طریق کتب واسطه و حلقه مشترک به جوامع حدیثی راه یافته‌اند و یا اینکه جوامع حدیثی به طور مستقیم این روایات را از کتاب التفسیر بطائنی اخذ کرده‌اند؟

کتاب التفسیر علی بن ابی حمزه بطائنی

اهمیت و ضرورت

اهمیت آثار بطائنی و ضرورت بازیابی آنها، از جمله کتاب التفسیر او، وقتی روشن می‌شود که بدانیم بطائنی از اصحاب امام صادق علیه السلام و از وکلای امام کاظم علیه السلام بوده است، او علاوه بر اینکه دوره حضور دو امام بزرگوار را درک نموده، شخصیت و آموزه‌هایش تا زمان صحت مذهبش مورد تأیید این بزرگواران قرار گرفته است (رجال نجاشی، ص ۲۴۹). علاوه بر این، بطائنی از افرادی چون یحیی ابوبصیر اسدی که یکی از اصحاب اجماع است، بهره برده به طوری که اکثر روایات همین کتاب التفسیر او بنا بر قول نجاشی (م ۴۵۰ هـ. ق)، گرفته شده از ابوبصیر است (همان، ص ۲۴۹). بنابراین، می‌توان گفت بازیابی این کتاب به منزله احیای بخشی از روایات ابوبصیر است؛ در نتیجه، کتاب التفسیر او که دربردارنده کلام معصومین علیهم السلام است، از ارزش والایی

۱. کتب التراث بین الحوادث و الانبعاث (با معرفی سیزده قاعده) و بازسازی متون کهن حدیث شیعه: روش، تحلیل نمونه؛ (با ارائه سه راهکار اصلی و نکات فرعی) و کتاب زید بن وهب جهنی به عنوان یکی از مصادر کهن نهج البلاغه (با ارائه سه شیوه کلی که به شیوه‌های جزئی‌تر تقسیم می‌شوند) و پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «روایات تفسیری علی بن ابی حمزه بطائنی (بازیابی، گونه‌شناسی و اعتبارسنجی)»، به این امر مهم پرداخته‌اند.

برخوردار است و وجود این کتاب، نزد علمایی چون شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ طوسی و...^۱ و همچنین استفاده از روایات کتاب او، نشان از اشتهار و ارزش والای این کتاب دارد؛ در نهایت شهرت این کتاب در کتب متقدم و راهیابی روایات تفسیری او از کتب متقدم به منابع متأخری چون تفسیر البرهان، بحار الانوار، تفسیر نور الثقلین و... ضرورت بازیابی این کتاب را روشن می‌سازد.

اثبات وجود کتاب

اولین رکن بازیابی یک متن، اثبات اصل وجود آن است. از آنجا که هیچ نسخه‌ای از کتاب التفسیر علی بن ابی حمزه بطائنی باقی نمانده است، لازم است که در ابتدا وجود خود کتاب و اصالت تاریخی آن را اثبات کنیم.

نجاشی در کتاب خویش از وجود کتاب التفسیر علی بن ابی حمزه خبر داده است. وی در ذیل نام علی بن ابی حمزه، به معرفی کتاب‌های او و ذکر طریق خود به آنها، که شامل کتاب تفسیری او نیز می‌شود، پرداخته است:

۱ - أخبرنا محمد بن جعفر النجوی فی آخرین قال حدثنا أحمد بن محمد بن سعید قال حدثنا محمد بن عبد الله بن غالب قال حدثنا علی بن الحسن الطاطری قال حدثنا محمد بن زیاد عنه.

۲ و ۳ - و أخبرنا محمد بن عثمان بن الحسن قال حدثنا جعفر بن محمد قال حدثنا عبید الله بن أحمد بن نهیک أبو العباس النخعی عن محمد بن أبی عمیر و أحمد بن الحسن المیثمی جمیعا عنه بکتبه (همان، ص ۲۴۹).

اگر دقت کنیم، در طریق اول واژه «فی آخرین» آمده که نشان از اشتهار کتب او در عصر نجاشی است. این طریق به محمد بن زیاد که منظور همان محمد بن ابی عمیر است ختم می‌شود و از او به کتب علی بن ابی حمزه می‌رسد؛ طریق دوم نیز به محمد بن ابی عمیر و طریق سوم به احمد بن الحسن المیثمی ختم می‌شود.

۱. در اسناد مشترک منتهی به علی بن ابی حمزه در روایات کتاب الکافی و در روایات کتاب‌های شیخ صدوق و شیخ طوسی و دیگر مصادر حدیثی همچون الغیبة نعمانی و دیگر مصادر، نشان از وجود کتاب التفسیر ایشان در نزد این عالمان دارد و اشتهار این کتاب را می‌توان در طرقی که نجاشی در اثبات وجود این کتاب بیان کرده، متوجه شد.

پس از نجاشی، شیخ آقا بزرگ تهرانی (۱۳۳۰ - ۱۳۸۹ ه. ق) در الذریعة از کتاب التفسیر علی بن ابی حمزه یاد کرده است:

علی بن ابی حمزة البطائنی یأتی بعنوان تفسیر البطائنی، و یأتی تفسیر ابی حمزة أيضا (الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۴، ص ۲۴۰)

اگرچه به جز کتب رجالی، مشیخات و تراجم، در اسناد مشترک منتهی به علی بن ابی حمزه در روایات کتاب الکافی و در روایات کتب شیخ صدوق و شیخ طوسی و دیگر مصادر حدیثی همچون الغیبه نعمانی، نشان از وجود کتاب التفسیر ایشان نزد این عالمان دارد.

عنوان کتاب

نام کتاب التفسیر بطائنی بنابر تعبیر شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعة به نام خود او و مشهور به تفسیر بطائنی و یا تفسیر ابی حمزه بوده است.

مصادر و اسناد روایات کتاب/التفسیر بطائنی

به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران، سلسله اسناد در کتابها غالباً نشانه طریق مؤلف به یک اثر مکتوب پیشین است و نامهای موجود در سلسله اسناد هر حدیث، معرف مؤلفان آثار قبلی و یا معرف راویان آنهاست (میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۱۳؛ بازسازی متون کهن حدیثی شیعه، ص ۱۲۶).

بر اساس این مبنا، مشی و سیره اصحاب حدیث نیز این بوده است که روایات کتاب خویش را از کتابی اخذ کنند که موضوع آن مطابق با روایات کتاب خود باشد (وحدت موضوع با سند). پس با توجه به وجود کتاب بطائنی تا قرن پنجم، بنابر طرقي که نجاشی ذکر کرده است، ممکن است از مؤلفان کتب تا بطائنی، راویانی باشند که صاحب کتاب اند، اما کتابی با عنوان و محتوای تفسیری ندارند؛ به عنوان مثال، روایت تفسیری در موضوع امامت است و راوی صاحب کتاب میان مؤلف و بطائنی دارای کتاب الامامة باشد که چه بسا تعدادی روایت تفسیری نیز در این کتاب وجود دارد، اما احتمال اینکه مؤلف در اخذ این روایت تفسیری به کتاب بطائنی رجوع کرده باشد، بسیار بیشتر است از اینکه به این کتاب واسطه رجوع کند. البته تکرار اسناد در این مبنا نقش مهمی را ایفا می کند.



در نهایت با توجه به مبنای گفته شده، در بازیابی روایات کتاب التفسیر بطائنی، از دو روش اسنادی تکرار اسناد مشترک منتهی به مؤلف^۱ و شناسایی حلقه مشترک در اسناد^۲ استفاده شده است.

البته نکته‌ای شایان ذکر است که تعداد اسناد جمع‌آوری شده از تعداد مجموع روایات بیشتر است، چرا که برخی روایات دارای چندین مصدر و در نهایت چندین سند بوده‌اند.

کتاب الزهد (حسین بن سعید)

در این کتاب، سه روایت تفسیری از بطائنی وجود دارد که دو روایت آن ذیل آیه ۶۰ سوره مؤمنون^۳ (الزهد، ص ۲۴، ح ۵۳) و آیات ۱۳ تا ۱۵ سوره حدید^۴ (همان، ص ۹۳، ح ۲۹۴) با سند واحد از بطائنی تا حسین بن سعید (القاسم بن محمد عن علی بن ابی حمزه) نقل شده که با توجه به اسناد آن احتمالاً مستقیم از کتاب بطائنی گرفته شده باشد، اول آنکه به دلیل وجود قاسم بن محمد^۵ که بسیاری از روایات بطائنی از او منتقل شده است و دوم آنکه در سند اول (مؤمنون، ۶۰) بطائنی از خود معصوم علیه السلام نقل روایت می‌کند و در سند دوم به واسطه ابوبصیر از معصوم نقل روایت می‌کند که وجود ابوبصیر در سند، خود قرینه‌ای می‌باشد بر اینکه روایت ذیل آیات ۱۳ تا ۱۵ سوره حدید از کتاب بطائنی گرفته شده است؛ در نتیجه می‌توان گفت که احتمالاً این دو سند، طریق حسین بن سعید به کتاب بطائنی باشد و این روایات را مستقیماً از کتاب او گرفته باشد.

۱. یکی از روش‌های تحلیل اسنادی، بررسی اسناد به این معنا که اگر شمار زیادی روایت از یک مؤلف به سند واحد نقل شود، متونی که به واسطه این سند مشترک نقل شده، همگی از یک منبع مکتوب بوده‌اند.

۲. مقصود از اصطلاح حلقه مشترک، راوی‌ای است که حدیثی را از یک مرجع شنیده و برای تعدادی از شاگردان نقل کرده است. به عبارت دیگر، دیرین‌ترین راوی شبکه اسناد، که حدیث را برای بیش از یک شاگرد روایت می‌کند؛ آنچه که در این قاعده مهم است، این است که این راوی صاحب اثر باشد و صاحب اثر بودن او احراز شود. بنابراین، به این راوی حلقه مشترک اصلی می‌گویند.

اما منظور از حلقه مشترک فرعی، راویانی هستند که از حلقه مشترک اصلی حدیث را شنیده و آن را برای دو تن از شاگردان خود یا بیشتر نقل می‌کنند که البته این حلقه مشترک فرعی نیز باید صاحب اثر باشد (ر. ک: تاریخ گذاری روایات بر مبنای تحلیل اسناد، ص ۱۴۹ و ۱۵۰).

۳. القاسم بن محمد عن علی عن معصوم علیه السلام.

۴. القاسم بن محمد عن علی عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام.

۵. بر اساس عدد نقل در برنامه درایة النور، ۲۳۵ سند در کتب اربعه چه روایات تفسیری و چه غیرتفسیری از قاسم بن محمد به بطائنی می‌رسد و این تکرار سند از او به بطائنی خود دلیلی بر این است که او ناقل روایات کتاب التفسیر بطائنی است و ایشان نیز طبق کتاب‌های رجال، صاحب کتابی در تفسیر نمی‌باشد.

اما روایت سوم ذیل آیه ۶۰ سوره الرحمن است (همان، ص ۳۱، ح ۷۸). که با توجه به سند آن عثمان بن عیسی الکلابی عن علی بن سالم عن معصوم ع، هم ممکن است از طریق کتاب‌های غیرتفسیری عثمان بن عیسی منتقل شده باشد، و هم حسین بن سعید مستقیم از کتاب بطائنی آورده باشد؛ البته به جهت قدمت کتاب الزهد و اینکه در عصر معصوم نوشته شده است و همچنین با توجه به مشی اصحاب حدیث در اخذ روایات تفسیری از کتاب‌های تفسیری، احتمال اینکه حسین بن سعید روایت را به صورت مستقیم از کتاب بطائنی آورده باشد، بیشتر است.

کتاب المحاسن (البرقی)

از مجموع چهار روایت تفسیری از بطائنی در این کتاب، یک روایت تفسیری ذیل آیه ۴ سوره قدر است (المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۴ - ۳۱۵، ح ۳۲) که با توجه به سند آن «عنه عن حسن بن علی الوشاء عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم ع»، چون سندش (از بطائنی تا برقی) ۶ بار در المحاسن تکرار شده است (همان، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۱۲۵؛ ص ۲۳۰، ح ۱۷۴؛ ص ۲۵۰، ح ۲۶۳؛ ص ۲۵۶، ح ۲۳۹؛ ج ۲، ص ۳۱۴، ح ۳۲؛ ص ۳۹۳، ح ۴۵).

بنابراین، به جهت تکرار اسناد مشترک منتهی به مؤلف و اینکه حسن بن علی الوشاء (راوی واسطه) نیز دارای کتاب تفسیری نیست و همچنین به دلیل وجود ابوبصیر، احتمالاً برقی این روایت را به طور مستقیم از کتاب بطائنی گرفته شده باشد و به نوعی می‌توان احتمال داد که این سند طریق برقی به کتاب بطائنی است؛ روایت دیگری نیز ذیل آیه ۱۲۲ سوره توبه است (همان، ج ۱ ص ۲۲۹، ح ۱۶) که سند آن «عنه عن عثمان بن عیسی الکلابی عن علی بن ابی حمزه عن معصوم ع»، چندان در المحاسن تکرار نشده است؛ بنابراین، ممکن است این روایت هم از طریق کتاب‌های غیرتفسیری عثمان بن عیسی منتقل شده باشد و هم برقی مستقیم از کتاب بطائنی آورده باشد. البته به جهت قدمت کتاب المحاسن و نزدیکی به عصر معصومان ع و با توجه به مشی اصحاب حدیث در اخذ روایات تفسیری از کتاب‌های تفسیری، احتمال آن را که برقی به صورت مستقیم از کتاب بطائنی روایت آورده باشد، تقویت می‌کند و در نهایت دو روایت، یکی ذیل آیه ۴۴ اسراء است (همان، ج ۲، ص ۶۲۳، ح ۷۱) که با توجه به سند آن «عنه عن علی بن اسباط عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم ع»، از طریق کتاب تفسیری علی بن اسباط به کتاب المحاسن راه یافته (حلقه مشترک) و دیگری ذیل آیه ۷۷ و ۷۸ حج است (همان، ج ۱، ص ۱۶۶، ح ۱۲۴). با توجه به سند آن «عنه عن ابن محبوب عن علی بن ابی حمزه



عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام، از طریق کتاب تفسیری حسن بن محبوب به کتاب المحاسن راه پیدا کرده است (حلقه مشترک).

کتاب بصائر الدرجات (صفار قمی)

از مجموع نه روایت تفسیری بطائنی در این کتاب، می توان گفت که سه روایت ذیل آیات ۱۰۵ توبه (دو روایت) (بصائر الدرجات، ص ۴۲۴، ح ۳؛ ص ۴۲۸، ح ۷) و ۹ زمر (همان، ص ۵۵، ح ۴)، با سند واحد نقل شده که با توجه به سند آن «حدثنا احمد بن محمد بن عیسی الاشعری (حلقه فرعی) عن الحسين بن سعید (حلقه اصلی) عن القاسم بن محمد عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام»، این روایات از طریق کتب واسطه تفسیری به کتاب بصائر الدرجات راه پیدا کرده است و یک روایت نیز ذیل آیه ۱۰۵ سوره توبه است. (همان، ص ۴۲۹، ح ۱) که با توجه به سند آن «حدثنا یعقوب بن یزید (حلقه فرعی) ^۱ عن الحسن بن علی الوشاء (حلقه اصلی) ^۲ عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام»، چون این سند چندان در کتاب بصائر الدرجات تکرار نشده است، احتمالاً از کتاب های غیر تفسیری راویان واسطه به این کتاب منتقل شده باشد و پنج روایت باقیمانده ذیل آیات ۲ سوره نحل (همان، ص ۴۳۶، ح ۱) «حدثنا محمد بن عیسی بن عبید (حلقه فرعی) عن علی بن اسباط (حلقه اصلی) عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام»، آیه ۴۱ سوره قصص و ۷۳ سوره انبیاء (همان، ص ۳۳، ح ۴) «حدثنا محمد بن عیسی عن عثمان بن عیسی عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» آیه ۸۸ سوره قصص (همان، ص ۶۴ و ۶۵، ح ۱) «حدثنا احمد بن محمد (حلقه فرعی) عن الحسين بن سعید (حلقه اصلی) عن فضالة بن ایوب عن علی بن ابی حمزه عن سیف بن عمیره عن ابی بصیر عن الحارث بن مغیره عن معصوم علیه السلام» ۴۹ سوره عنکبوت (همان، ص ۲۰۵، ح ۳) «حدثنا احمد بن محمد (حلقه فرعی) عن الحسين بن سعید (حلقه اصلی) عن عثمان بن عیسی عن علی بن ابی حمزه عن معصوم علیه السلام»، ۹ سوره زمر (همان، ص ۵۵، ح ۶) «حدثنا احمد بن محمد عن علی بن الحکم عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» با توجه به اسناد آن، از طریق کتب واسطه تفسیری (حلقه مشترک) به این کتاب منتقل شده است.

۱. الحسن بن علی الوشاء دارای کتاب می باشد (له کتاب) (ر. ک: فهرست طوسی، ص ۱۳۸).
۲. یعقوب بن یزید دارای کتابی به نام کتاب النوادر می باشد (ر. ک: همان، ص ۵۰۸).

تفسیر قمی

از مجموع ۱۸ روایتی که از بطائنی در این کتاب آمده، می‌توان گفت ۱۳ روایت آن ذیل آیات ۸۳ سوره کهف (تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۰)، آیات ۱۰۱ و ۱۰۲ کهف (همان، ص ۴۷)، آیات ۱۰۷ و ۱۰۸ کهف (همان، ص ۴۶)، آیه ۱ مریم (همان، ص ۴۸)، ۷۳ الی ۹۷ مریم و آیات ۶ الی ۱۱ یس (دو روایت) (همان، ص ۵۵ و ۵۶ و ۵۷)، آیات ۲۰ الی ۲۹ تکویر (همان، ص ۴۰۸ و ۴۰۹)، ۱ الی ۳ طارق (همان، ص ۴۱۵)، ۱۰ و ۱۵ الی ۱۷ طارق (همان، ص ۴۱۶)، ۲۷ الی ۳۰ طارق (همان، ص ۴۲۲)، ۱۳ بلد (همان، ص ۴۲۳)، ۴ و ۵ ضحی (همان، ص ۴۲۷) و ۱ الی ۱۱ عادیات (همان، ص ۴۳۴ - ۴۳۹) با سند واحد نقل شده است. با توجه به سند آن «حدثنا جعفر بن احمد عن عبیدالله بن موسی عن الحسن بن علی بن ابی حمزه عن ابیه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» احتمالاً به صورت مستقیم از کتاب التفسیر بطائنی گرفته شده است؛ چرا که تنها حسن بن علی بن ابی حمزه صاحب کتاب است اما کتاب قرآنی او فضائل القرآن (فضائل سوره‌های قرآن) است که با محتوای این روایات هم‌خوانی ندارد؛ در نتیجه، این روایات به جهت تکرار اسناد مشترک منتهی به مؤلف به احتمالی طریق قمی به کتاب التفسیر بطائنی است.

روایت دیگر ذیل آیات ۱ الی ۳ طه است. (همان، ص ۵۷) و با توجه به سند آن «حدثنی ابی عن القاسم بن محمد عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» این سند تنها یکبار در تفسیر قمی آمده است، بنابراین احتمالاً این روایت از کتاب النوادر ابراهیم بن هاشم (رجال النجاشی، ص ۱۶) به تفسیر قمی منتقل شده باشد، البته این احتمال نیز وجود دارد که به دلیل وجود قاسم بن محمد در سند، قمی روایت را مستقیم از کتاب بطائنی گرفته باشد و در روایت ذیل آیه ۱۳ الرحمن (همان، ج ۲، ص ۳۳۴) با توجه به سند آن «حدثنا احمد بن علی عن محمد بن یحیی (حلقه فرعی) ^۱ عن محمد بن الحسین ابی الخطاب (حلقه اصلی) ^۲ عن محمد بن اسلم عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» اگرچه راویان میان مؤلف و بطائنی دارای کتاب‌هایی هستند، اما هیچ کدام بر اساس منابع رجالی تصریحی نشده است که دارای کتاب تفسیری‌اند اما به جهت آنکه این سند چندان در تفسیر قمی تکرار نشده است، ممکن است این روایت از کتاب‌های غیرتفسیری راویان واسطه (حلقه مشترک) به تفسیر قمی منتقل شده باشد.

۱. محمد بن یحیی دارای کتاب النوادر است (ر. ک: همان، ص ۳۵۳).

۲. محمد بن الحسین ابی الخطاب دارای کتاب الإمامة می‌باشد (ر. ک: همان، ص ۳۱).

در نهایت با توجه به اسناد سه روایت باقیمانده، ذیل آیات ۲۳ انعام (همان، ج ۱، ص ۱۹۹) «اخبِرنا الحسین بن محمد بن محمد بن عامر عن المعلى بن محمد (حلقه فرعی) عن علی بن اسباط (حلقه اصلی) عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام»، ۳۰ روم (همان، ج ۲، ص ۱۵۴) «اخبِرنا الحسین بن محمد بن محمد بن عامر عن المعلى بن محمد عن محمد بن جمهور عن جعفر بن بشیر عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» و ۷۱ احزاب (همان، ج ۲، ص ۱۹۸) «اخبِرنا الحسین بن محمد بن محمد بن عامر عن المعلى بن محمد (حلقه فرعی) عن علی بن اسباط (حلقه اصلی) عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» (علی بن ابراهیم این روایات را از کتاب‌های تفسیری واسطه آورده است (حلقه مشترک).

تفسیر عیاشی

در مجموع ۱۷ روایت تفسیری از بطائنی در تفسیر عیاشی است که در ۱۰ روایت، ذیل فضیلت سوره حمد (تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹، ۱۰)، آیه ۵ نساء (همان، ص ۲۲۰، ج ۲۳)، ۱۲۸ نساء (همان، ص ۲۷۸، ج ۲۸۲)، ۶ مائده (همان، ص ۳۰۱، ج ۵۸)، ۲۰۱ اعراف (همان، ج ۲، ص ۴۴، ج ۱۲۹)، ۱۱۵ توبه (همان، ص ۱۱۵، ج ۱۴۹)، ۱۱۸ توبه (همان، ص ۱۱۵، ج ۱۵۱)، ۸۱ هود (همان، ص ۱۵۸، ج ۵۸)، فضیلت کهف (همان، ص ۳۲۱، ج ۱)، ۴۲ فاطر و ۴۱ اسراء (همان، ص ۲۹۳، ج ۸۷) به نام بطائنی در اسناد مرسل اشاره دارد.

اما در هفت روایت دیگر آن (ذیل فضیلت سوره بقره و آل عمران (همان، ج ۱، ص ۲۵، ج ۲)، ۱، ۲۱۹ بقره و ۳۳ اعراف (همان، ج ۲، ص ۱۷، ج ۳۸)، ۲، ۹۷ آل عمران (همان، ج ۱، ص ۱۹۳، ج ۱۱۶)، ۳، ۱۲۹ انعام (همان، ص ۳۷۶، ج ۹۲)، ۴، فضیلت سوره انفال و توبه (همان، ج ۲، ص ۴۶، ج ۲)، ۵، ۱۰۵ توبه (همان، ص ۱۰۹، ج ۱۲۲)، ۶، ۷۰/یوسف (همان، ص ۱۸۴، ج ۴۷)، ۷ نام بطائنی در اسناد مرسل نیامده؛ ولی به جهت یکی بودن محتوای این روایات با مصادر دیگری

۱. یکی بودن محتوای روایت با ثواب الاعمال شیخ صدوق (ر. ک: ثواب الاعمال، ص ۱۰۴).

۲. یکی بودن محتوای روایت با کتاب الکافی (ر. ک: الکافی، ج ۶، ص ۴۰۶، ج ۱).

۳. یکی بودن محتوای روایت با کتاب من لا یحضره الفقیه (ر. ک: کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۹۵، ج ۲۵۰۴).

۴. یکی بودن محتوای روایت با کتاب الکافی (ر. ک: الکافی، ج ۲، ص ۳۳۴، ج ۱۹).

۵. یکی بودن محتوای روایت با کتاب ثواب الاعمال (ر. ک: ثواب الاعمال، ص ۱۰۶).

۶. یکی بودن محتوای روایت با کتاب بصائر الدرجات (بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۴۲۴، ج ۳).

۷. یکی بودن محتوای روایت با کتاب علل الشرایع (ر. ک: علل الشرایع، ج ۱، ص ۵۱).

که در اسناد آنها نام بطائنی است، می‌توان احتمال داد که این روایات در تفسیر عیاشی از بطائنی است.

کتاب الکافی (شیخ کلینی)

از مجموع ۳۳ روایت تفسیری بطائنی در این کتاب می‌توان گفت، پنج روایت آن، ذیل آیات ۹۷ آل عمران (الکافی، ج ۴، ص ۲۲۷، ح ۳)، ۱ قدر (همان، ص ۱۵۷، ح ۵)، ۱۰۵ توبه (همان، ج ۱، ص ۲۱۹، ح ۱)، ۲۷ ابراهیم (همان، ج ۳، ص ۲۳۹ و ۲۴۰، ح ۱۲) و ۷۲ اسرا (همان، ج ۴، ص ۲۶۱، ح ۲) با سند واحد نقل شده که با توجه به سند آن «حدثنی محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن عیسی الاشعری عن الحسین بن سعید عن القاسم بن محمد عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» به جهت تکراری بودن اسناد مشترک منتهی به مؤلف و همچنین وجود قاسم بن محمد در سند، به احتمال زیاد از کتاب التفسیر بطائنی گرفته شده باشد؛ اگرچه که از کلینی تا علی بن ابی حمزه، راویان صاحب کتاب تفسیری وجود دارند، اما به جهت تکراری بودن سند که تنها در روایات تفسیری پنج بار تکرار شده اما در کل کتاب کافی این سند ۶۹ بار ۶ تکرار شده است که این می‌تواند قرینه‌ای بر این مطلب باشد.

اما پنج روایت دیگر، ذیل آیات ۱۷۸ سوره بقره، ۴۵ مائده (همان، ج ۷، ص ۳۵۸، ح ۲)، ۱۲۸ نساء (همان، ج ۶، ص ۱۴۵، ح ۱)، ۶ طلاق (همان، ص ۱۲۳، ح ۱)، ۳۵ نساء (همان، ص ۱۴۶، ح ۱)، ۲۳۵ بقره (همان، ج ۵، ص ۴۳۵، ح ۱) با توجه به سند آن «محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن علی بن الحکم عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» نیز همانند سند بالا به جهت تکراری بودن اسناد مشترک منتهی به مؤلف، به احتمال فراوان از کتاب بطائنی گرفته شده باشد؛ اگرچه که از کلینی تا بطائنی، راوی که دارای کتاب تفسیری است، وجود دارد اما به جهت تکراری بودن این سند که تنها در روایات تفسیری پنج بار تکرار شده اما در کل این کتاب این سند ۷۵ بار ۱ تکرار شده است، قرینه‌ای است بر اینکه کلینی به خود کتاب التفسیر بطائنی در اخذ روایات رجوع کرده است.

دو روایت دیگر ذیل آیات ۱۰۲ و ۲۱۱ بقره (الکافی، ج ۸، ص ۲۹۰ و ۲۹۱، ح ۱۱۰۲)، ۶۵ و ۶۶ نساء (همان، ص ۱۸۴، ح ۲۱۰) با سند واحد نقل شده که با توجه به سند «علی بن ابراهیم (حلقه فرعی) عن ابیه عن علی بن اسباط (حلقه اصلی) عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن

۱. این شمارش بر اساس برنامه درایة النور است.



معصوم علیه السلام». این دو روایت نیز از طریق کتاب‌های واسطه به کتاب الکافی وارد شده است (حلقه مشترک).

ذیل آیات ۳۵ نساء (همان، ج ۶، ص ۱۴۶، ح ۱) و ۲۸ احزاب (همان، ج ۶، ص ۱۳۹، ح ۵) دو روایت نیز با سند واحد «حمید بن زیاد الکوفی^۱ عن الحسن بن محمد بن محمد بن سماعه عن عبدالله بن جبلة عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» نقل شده است که از طریق حلقه مشترک به کتاب کافی وارد شده است.

ذیل آیات ۲۱ رعد (همان، ج ۲، ص ۱۵۱، ح ۷)، ۱۶ لقمان و ۱۲ یس (همان، ص ۲۷۰، ح ۱۰) دو روایت با سند واحد «الحسین بن محمد بن عامر عن معلی بن محمد عن الحسن بن علی الوشاء عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» نقل شده که این روایات نیز از طریق حلقه مشترک به کتاب الکافی وارد شده است.

و در آیات ۷۳ الی ۹۷ مریم و ۶ الی ۱۱ یس (همان، ج ۱، ص ۴۳۱ و ۴۳۲، ح ۹۰)، ۱۲۴ الی ۱۲۷ طه و ۱۹ و ۲۰ شوری (همان، ص ۴۳۵، ح ۹۲) دو روایت با سند واحد «محمد بن یحیی عن سلمة بن الخطاب عن الحسن بن عبدالرحمن الحمائی عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» نقل شده که این روایات هم از طریق حلقه مشترک به کتاب الکافی وارد شده است.

دو روایت دیگر از بطائنی ذیل آیات ۷۱ احزاب (همان، ص ۴۱۴، ح ۸)، ۲۸ فصلت، ۲۹ ملک و ۱۳۵ نساء (همان، ج ۱، ص ۴۲۱، ح ۴۵)، با سند واحد در الکافی نقل شده که با توجه به سند «الحسین بن محمد بن عامر عن معلی بن محمد (حلقه فرعی) عن علی بن اسباط (حلقه اصلی) عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» این روایات نیز از طریق حلقه مشترک به کتاب الکافی وارد شده است.

ذیل آیات ۷۹ و ۸۰ زخرف (همان، ج ۸، ص ۱۷۹ و ۱۸۱، ح ۲۰۲)، ۲۳ الی ۲۵ قمر (همان، ج ۷، ص ۱۸۷ - ۱۸۹، ح ۲۱۴) دو روایت دیگر با سند واحد «علی بن محمد علان کلینی (حلقه فرعی) عن الحسن بن عبد الرحمن الحمائی عن علی بن العباس الجراذینی (حلقه اصلی) عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» در الکافی نقل شده که در این سند، اگرچه

۱. حمید بن زیاد کتابی با عنوان تفسیر ندارد اما کتابی با عنوان من روی عن الصادق علیه السلام دارد (ر. ک: رجال النجاشی، ص ۱۳۲) که احتمالاً این روایات از آن گرفته شده است چون این سند در هر دو روایات به امام صادق علیه السلام ختم می‌شود.

راویان میان مؤلف و بطائنی دارای کتاب‌های هستند اما هیچ کدام بر اساس منابع رجالی تصریحی نشده است که دارای کتاب‌های تفسیری هستند، بنابراین شاید کلینی این روایات را مستقیماً از کتاب التفسیر بطائنی آورده است، البته چون این سند چندان در الکافی تکرار نشده ممکن است از طریق کتاب‌های غیرتفسیری راویان واسطه این روایت از کتاب بطائنی به الکافی انتقال یافته باشد (حلقه مشترک).

سه روایت دیگر نیز با سه نوع سند مختلف ذیل آیات ۳۵ یونس (همان، ج ۸، ص ۳۸۱، ح ۵۷۵)، «عدة من اصحابنا عن احمد بن ابی عبد الله عن عمرو بن عثمان عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» ۵۳ فصلت (همان، ج ۸، ص ۳۸۱، ح ۵۷۵) «ابوعلی اشعری عن محمد بن عبد الجبار عن الحسن بن علی بن ابی حمزه عن ایبه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» ۴ قدر (همان، ج ۲، ص ۳۱۴ و ۳۱۵، ح ۳۲) «علی بن محمد (حلقه فرعی) عن عبد الله بن اسحاق العلوی عن محمد بن زید الزرّامی عن محمد بن السلیمان الدیلمی (حلقه اصلی) عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» در کتاب الکافی نقل شده که هر سه سند به جهت آنکه چندان در الکافی تکرار نشده است، احتمال دارد که از طریق کتاب‌های غیرتفسیری به کتاب الکافی وارد شده باشد (حلقه مشترک).

۱۱ روایت باقی مانده با اسناد مختلف ذیل آیات ۱۲۹ انعام (همان، ج ۲، ص ۳۱۴ و ۳۱۵، ح ۳۲)، «عدة من اصحابنا عن محمد بن عیسی بن عبید عن ابراهیم بن عبد الحمید عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» ۲۱۹ بقره (همان، ج ۶، ص ۴۰۶، ح ۱)، «ابوعلی اشعری عن بعض اصحابنا و علی بن ابراهیم عن ایبه جمیعاً عن حسن بن علی بن ابی حمزه عن ایبه عن علی بن یقظین عن معصوم علیه السلام»، ۱۲۲ توبه (همان، ج ۱، ص ۳۱، ح ۶) «علی بن محمد بن ابی القاسم بن عمران عن احمد بن محمد بن خالد البرقی^۱ عن عثمان بن عیسی عن علی بن ابی حمزه عن معصوم علیه السلام»، ۱۰۰ و ۹۹ مومنون (همان، ج ۳، ص ۳۰۵، ح ۳) «علی بن ابراهیم (حلقه فرعی) عن ایبه عن اسماعیل بن مرار عن یونس بن عبد الرحمن (حلقه اصلی) عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام»، ۳۰ روم (همان، ج ۱، ص ۴۱۸، ح ۳۵) «علی بن ابراهیم عن صالح بن السندی عن جعفر بن بشیر عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام»، ۶ لقمان (همان، ج ۵، ص ۱۱۹، ح ۱) «عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد (حلقه فرعی) عن

۱. چون یکی از مصادر این روایت محاسن برقی بود، الکافی این روایت را از او گرفته است.

الحسین بن سعید (حلقه اصلی) عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام، ۲۷ فتح همان، ج ۸، ص ۴۸۶، ح ۵) «محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن ابی نصر بزندی عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام»، ۸ و ۹ نجم همان، ج ۱، ص ۴۴۲ و ۴۴۳، ح ۱۳) «عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد (حلقه فرعی) عن الحسین بن سعید (حلقه اصلی) عن القاسم بن محمد عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» این اسناد نیز به جهت آنکه چندان در کافی تکرار نشده است، به احتمال زیاد از طریق کتب تفسیری واسطه (حلقه مشترک) به کتاب کافی وارد شده است.

کتاب الامامة و التبصرة من الحيرة (علی بن الحسین بابویه)

در این کتاب تنها یک روایت تفسیری از بطائنی ذیل آیه ۳۰ ملک (الإمامة و التبصرة من الحيرة، ص ۱۱۶ و ۱۰۵، ح ۱۰۵) وجود دارد که با توجه به سند آن (سعد بن عبد الله (حلقه فرعی) قال حدثنی موسی بن عمر بن یزید الصیقل عن علی بن اسباط (حلقه اصلی) عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام) به احتمال زیاد از طریق کتابهای تفسیری واسطه (حلقه مشترک) به کتاب علی بن الحسین بابویه انتقال یافته است.

کتاب الغيبة (نعمانی)

در این کتاب چهار روایت تفسیری از بطائنی ذیل آیات ۵۸ نساء (الغیبة، ص ۵۱، ح ۲)، ۵۵ نور همان، ص ۲۴۰، ح ۳)، ۵۳ فصلت همان، ص ۲۶۹، ح ۴۰)، ۱۵۵ بقره همان، ص ۲۵۰، ح ۶) است، که هر چهار روایت دارای سند واحدند، و با توجه به سند آن «اخبیرنا ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید (حلقه فرعی) حدثنی احمد بن یوسف الجعفی (حلقه اصلی) من کتابه قال حدثنا اسماعیل بن مهران قال حدثنا حسن بن علی بن ابی حمزه عن ابیه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» این روایات تفسیری از طریق (حلقه مشترک) به کتاب الغیبة منتقل شده است.

کتاب کامل الزیارات (ابن قولویه)

از این کتاب تنها یک روایت تفسیری در ذیل آیه ۵۱ غافر (کامل الزیارات، ص ۶۳، ح ۲) است که به بطائنی ختم می شود و با توجه به سند آن «حدثنی ابی ره عن سعد بن عبد الله (حلقه فرعی) عن محمد بن احمد (عمران اشعری) عن محمد بن سنان عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» احتمالاً این روایت از طریق حلقه مشترک به کتاب ابن قولویه راه یافته است.

کتاب من لا يحضره الفقيه (شيخ صدوق)

در مجموع از این کتاب پنج روایت تفسیری است که در چهار سند آن نام بطائنی وجود دارد و در یک سند آن ذیل آیه ۹۹ و ۱۰۰ مؤمنون^۱ (کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۱، ح ۱۵۹۱) تنها نام ابوبصیر است، که با توجه به محتوای روایت و مقایسه آن با مصادر دیگر^۲ و همچنین طریق شیخ صدوق به ابوبصیر در مشیخه (که در این طریق نام بطائنی است)^۳، می‌توان گفت روایت را بطائنی از ابوبصیر گرفته است، اما در سه روایت دیگر، ذیل آیات ۲۳۳ بقره (همان، ج ۳، ص ۵۱۰، ح ۴۷۸۸)، ۹۷ آل عمران (همان، ج ۲، ص ۲۹۵، ح ۲۵۰۴)، ۱ قدر (همان، ص ۱۹۵، ح ۲۰۲۶)، سند از مشیخه گرفته شده «محمد بن علی ماجیلویه - رضی الله عنه - عن محمد بن یحیی العطار، عن محمد بن الحسین بن ابي الخطاب، عن أحمد بن محمد بن محمد بن ابي نصر البرزطي، عن علی بن ابي حمزة عن ابي بصير عن معصوم عليه السلام» و با توجه به اینکه در این سند، راوی که دارای کتاب تفسیری باشد، وجود ندارد می‌توان احتمال داد که این سند در مشیخه، طریق به کتاب بطائنی است.

نهایتاً روایت پنجم ذیل آیه ۱۱ نساء (همان، ج ۴، ص ۳۵۱، ح ۵۷۵۸) است که با توجه به سند آن «حدثنا علی بن احمد بن محمد الدقاق قال حدثنا محمد بن ابي عبد الله الكوفي قال حدثنا موسى بن عمران النخعي عن عمه الحسين يزيد النوفلي^۴ عن علی بن ابي حمزة عن ابيه عن معصوم عليه السلام» احتمال می‌رود مستقیم از کتاب التفسیر بطائنی گرفته شده باشد، چرا که از شیخ صدوق تا بطائنی، راوی صاحب کتاب تفسیری وجود ندارد؛ البته چون این سند طریق به بطائنی در مشیخه نیست و چندان در کتاب من لا يحضره الفقيه تکرار نشده است، این احتمال نیز وجود دارد که از کتاب غیرتفسیری حسین بن یزید النوفلی (حلقه مشترک) به کتاب من لا يحضره الفقيه منتقل شده باشد.

۱. سند کامل این روایت در المشیخه شیخ صدوق (طریق به ابوبصیر) آمده است.

۲. یکی بودن محتوای روایت با کتاب الکافی، ج ۳، ص ۵۰۳، ح ۳ و کتاب تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۱۱، ح ۵۹ (در اسناد این دو کتاب نام بطائنی آمده است).

۳. و ما کان فیه عن ابي بصير فقد روته عن محمد بن علی ماجیلویه عن محمد بن ابي القاسم عن احمد بن محمد بن خالد البرقي عن ابيه عن محمد بن ابي عمير عن علی بن ابي حمزة عن ابي بصير.

۴. حسین بن یزید نوفلی دارای کتاب السنة و کتاب التقیة می‌باشد (ر. ک: رجال نجاشی، ص ۳۸).

کتاب ثواب الأعمال (شیخ صدوق)

از مجموع ۱۵ روایت تفسیری از بطائنی در این کتاب، می‌توان گفت، هشت روایت (ذیل فضائل سوره‌های حمد (ثواب الأعمال، ص ۱۰۵)، الرحمن (همان، ص ۱۱۶)، واقعه (همان، ص ۱۱۶)، صف (همان، ص ۱۱۸)، ملک (همان، ص ۱۱۹)، اعلیٰ (همان، ص ۱۲۲)، بلد (همان، ص ۱۲۳)، قدر (همان، ص ۱۲۴) با سند واحد تکرار شده است، که با توجه به سند آن «ابی ره^۱ (حلقه فرعی) قال حدثنی محمد بن یحیی العطار عن محمد بن احمد (عمران اشعری) عن محمد بن حسان الرازی^۲ (حلقه فرعی) عن اسماعیل بن مهران^۳ (حلقه فرعی) قال حدثنی الحسن بن علی بن ابی حمزه (حلقه اصلی) عن ابیه عن معصوم علیه السلام» این روایات به احتمال زیاد از طریق حلقه مشترک به کتاب شیخ صدوق راه یافته است. سه روایت دیگر نیز ذیل فضائل سوره‌های اعراف (همان، ص ۱۰۵ و ۱۰۶)، انفال و توبه (همان، ص ۱۰۶)، یوسف (همان) با سند واحد آمده است، که با توجه به سند آن «ابی ره (حلقه فرعی) قال حدثنی محمد بن ابی القاسم^۴ (حلقه فرعی) عن محمد بن علی الكوفی^۵ (حلقه فرعی) عن اسماعیل بن مهران (حلقه فرعی) عن الحسن بن علی بن ابی حمزه (حلقه اصلی) عن ابیه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» این روایات نیز از طریق حلقه مشترک به کتاب شیخ صدوق انتقال یافته و همچنین ذیل فضائل سوره‌های کهف (همان، ص ۱۰۷)، روم و عنکبوت (همان، ص ۱۰۹) دو روایت دیگر با سند واحد نقل شده «محمد بن موسی بن المتوکل قال حدثنی محمد بن یحیی قال حدثنی محمد بن احمد عن محمد بن حسان الرازی (حلقه فرعی) عن اسماعیل بن مهران (حلقه فرعی) قال حدثنی الحسن بن علی بن ابی حمزه (حلقه اصلی) عن ابیه عن معصوم علیه السلام» که این روایات نیز از طریق حلقه مشترک به کتاب شیخ صدوق راه یافته است و در نهایت دو روایت باقی مانده با اسناد مختلف یکی ذیل فضائل سوره بقره و آل عمران است (همان، ص ۱۰۴)، «محمد بن الحسن بن احمد بن ولید^۶ (حلقه فرعی) عن احمد بن ادريس عن محمد بن احمد عن محمد بن حسان الرازی (حلقه فرعی) عن اسماعیل بن مهران (حلقه فرعی)، عن الحسن بن علی بن ابی حمزه (حلقه اصلی) عن ابیه عن

۱. علی بن الحسین بابویه دارای کتاب التفسیر می‌باشد (ر. ک: همان، ص ۲۶۱).
۲. محمد بن حسان دارای کتاب ثواب القرآن می‌باشد (ر. ک: همان، ص ۳۳۸).
۳. اسماعیل بن مهران دارای کتاب ثواب القرآن می‌باشد (ر. ک: همان، ص ۲۶).
۴. محمد بن ابی القاسم دارای کتاب تفسیری می‌باشد (ر. ک: رجال نجاشی، ص ۳۵۳).
۵. محمد بن علی الكوفی دارای کتاب تفسیری می‌باشد (ر. ک: همان، ص ۳۳۲).
۶. محمد بن الحسن بن احمد بن ولید دارای کتاب تفسیری می‌باشد (ر. ک: همان، ص ۳۸۳).

الحسين بن ابى العلاء^۱ عن ابى بصير عن معصوم عليه السلام و ديگرى ذيل آيه ۱۲۹ انعام است. (همان، ص ۲۷۴) «ابى ره (حلقه فرعى) قال عن سعد بن عبد الله عن محمد بن عيسى بن عبيد اليقطينى (حلقه اصلى) عن ابراهيم بن عبد الحميد عن على بن ابى حمزه عن ابى بصير عن معصوم عليه السلام» كه با توجه به اسناد اين روايات به احتمال زياد اين روايات بطائنى نيز از طريق حلقه مشترك به كتاب شيخ صدوق راه يافته است.

كتاب كمال الدين و تمام النعمة (شيخ صدوق)

از مجموع پنج روايت تفسيرى برگرفته در اين كتاب، چهار روايت با چهار سند مختلف ذيل آيات ۱۵۸ انعام و ۶۲ يونس (كمال الدين و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۵۷، ح ۵۴)، «حدثنا المظفر بن جعفر بن المظفر العلوى السمرقندى رضى الله عنه قال حدثنا جعفر بن محمد بن مسعود و حيدر بن نعيم السمرقندى جميعاً عن محمد بن مسعود العياشى (حلقه فرعى) قال حدثنى على بن محمد بن شجاع عن محمد بن عيسى بن عبيد (حلقه فرعى) عن يونس بن عبد الرحمن (حلقه اصلى) عن على بن ابى حمزه عن ابى بصير عن معصوم عليه السلام» ۴۵ حج (همان، ص ۴۱۷، ح ۱۰)، «حدثنا محمد بن موسى المتوكل عنه قال حدثنا محمد بن يحيى العطار عن محمد بن الحسين ابى الخطاب عن على بن اسباط عن على بن ابى حمزه عن ابى بصير عن معصوم عليه السلام» ۳۰ ملك (همان، ج ۱، ص ۳۲۵ و ۳۲۶، ح ۳)، «حدثنا ابى و محمد بن الحسن (ابن وليد) (حلقه هاى فرعى) رضى الله عنهما قال حدثنا سعد بن عبد الله قال حدثنى موسى بن عمر بن يزيد الصيقل عن على بن اسباط (حلقه اصلى) عن على بن ابى حمزه عن ابى بصير عن معصوم عليه السلام».

و در نهايت ۳۳ توبه (همان، ج ۲، ص ۶۷۰، ح ۱۱) «حدثنا محمد بن موسى المتوكل عنه قال حدثنا على بن الحسين سعد اباذى عن احمد بن ابى عبد الله خالد البرقى عن محمد بن خالد البرقى ۲ عن محمد بن ابى عمير عن على بن ابى حمزه عن ابى بصير عن معصوم عليه السلام» بيان شده، كه با توجه به اسناد اين روايات از طريق حلقه مشترك به كتاب كمال الدين و تمام النعمة راه يافته است و تنها در سند يك روايت «حدثنا على بن احمد بن موسى (الدقاق) قال حدثنا محمد بن ابى عبد الله الكوفى قال حدثنا موسى بن عمران النخعى عن عمه الحسين بن يزيد النوفلى عن على بن ابى حمزه عن ابى بصير عن معصوم عليه السلام» ذيل آيه ۲ و ۳ بقره (همان، ج ۱، ص ۱۸) به جهت

۱. الحسين بن ابى العلاء كتاب تفسيرى ندارد (ر. ك: همان، ص ۵۲).

۲. محمد بن خالد البرقى داراى كتاب تفسيرى است (ر. ك: همان، ص ۳۳۵).



آنکه از شیخ صدوق تا بطائنی راوی صاحب کتاب تفسیری وجود ندارد و همچنین این سند در مجموع از راوی دوم به بعد در این کتاب زیاد تکرار شده است^۱ (تکرار اسناد مشترک منتهی به مؤلف) می‌توان احتمال داد که شیخ صدوق این روایت را از خود کتاب بطائنی گرفته باشد.

کتاب علل الشرایع (شیخ صدوق)

با توجه به اسناد این کتاب از مجموع هفت روایت تفسیری از بطائنی در این کتاب می‌توان گفت چهار روایت، ذیل آیات ۱ نساء (علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۷، ح ۱)، ۵ نساء (همان، ج ۲، ص ۵۷۱، ح ۴)،

۴۳ هود (همان، ج ۱، ص ۳۱)، ۸ و ۹ ملک، ۱۶ نساء و ۱۹ مائده (همان، ص ۱۲۰، ح ۴) دارای سند واحد است که با توجه به سند آن «حدثنا علی بن احمد بن محمد الدقاق عن محمد بن ابی عبدالله کوفی عن موسی بن عمران نخعی عن الحسین بن یزید النوفلی عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» به جهت تکراری بودن سند مشترک منتهی به مؤلف، احتمال می‌رود که شیخ صدوق روایات را مستقیماً از کتاب بطائنی گرفته باشد؛ البته باید ذکر کرد که از شیخ صدوق تا بطائنی راوی صاحب کتاب تفسیری وجود ندارد.

اما روایت پنجم ذیل آیه ۷۰ یوسف (همان، ص ۵۱) است که با توجه به سند آن «حدثنا المظفر بن جعفر بن المظفر العلوی قال حدثنا جعفر بن محمد بن مسعود عن ابیه (حلقه فرعی) قال حدثنا ابراهیم بن علی الكوفی قال حدثنا ابراهیم بن اسحاق عن یونس بن عبد الرحمن (حلقه اصلی) عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» این روایت از طریق روش حلقه مشترک به کتاب علل الشرایع راه یافته است.

روایت ششم نیز ذیل آیه ۵۶ ذاریات و ۱۱۸ و ۱۱۹ هود (همان، ص ۱۳، ح ۱۰) است که با توجه به سند آن «حدثنا محمد بن احمد السنائی عنه قال حدثنا محمد بن ابی عبد الله الكوفی قال حدثنا موسی بن عمران النخعی عن الحسین بن یزید النوفلی عن علی بن ابی حمزه عن ابیه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام»، به جهت آنکه این سند از راوی دوم (محمد بن ابی عبد الله الكوفی تا علی بن ابی حمزه) با سندی که ذیل چهار روایت اول بود، مشترک است (تکرار اسناد

۱. این سند از محمد بن ابی عبد الله الكوفی تا علی بن ابی حمزه بدون وجود حسن بن علی بن ابی حمزه در سند، چهار بار تکرار شده است: (ر. ک: کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۱۷، ح ۱ و ص ۱۳۵، ح ۴ و ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۴ و ص ۳۵۸، ح ۵۶) اما با وجود حسن بن ابی حمزه در سند، شش بار تکرار شده است: (همان، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۲ و ص ۲۵۸، ح ۳ و ص ۲۵۹، ح ۴ و ص ۳۲۹، ح ۱۱ و ج ۲، ص ۳۴۰، ح ۲۰ و ص ۳۴۵، ح ۳۱).

مشترک منتهی به مؤلف)، بنابراین، احتمال دارد که شیخ صدوق این روایت را از کتاب التفسیر بطائنی گرفته باشد.

در نهایت روایت هفتم ذیل آیه ۸ و ۹ نجم (همان، ج ۱، ص ۱۳۱، ح ۱) است که شیخ صدوق این سند را به چهار طریق نقل کرده است «حدثنا محمد بن احمد بن السنائی و علی بن احمد بن محمد الدقاق و الحسین بن ابراهیم بن احمد بن هشام و علی بن عبد الله الوراق عنهم قالوا محمد بن ابی عبد الله الكوفی قال حدثنا موسى بن عمران النخعی عن الحسين بن یزید النوفلی عن علی بن ابی حمزه عن ابیه عن ثابت بن دینار^۱ عن معصوم علیه السلام» که در مجموع چهار سند می شود^۲، و در هر چهار سند از شیخ صدوق تا بطائنی راوی صاحب کتاب تفسیری وجود ندارد و به جهت آنکه این چهار سند با اسناد قبل اشتراکاتی دارند (تکرار اسناد مشترک منتهی به مؤلف) احتمال دارد که مستقیم از کتاب بطائنی گرفته شده باشد (دو سند آن با اسناد قبل مشترک است، یکی با سند روایت ششم و دیگری با سند چهار روایت اول و دو سند دیگر از راوی دوم با سند ذیل چهار روایت اول مشترک است اما راویان اول آن متفاوت است که البته هیچ کدام صاحب کتاب نیستند).

کتاب معانی الأخبار (شیخ صدوق)

در مجموع از این کتاب پنج روایت تفسیری از بطائنی است.

چهار روایت با اسناد مختلف ذیل آیات ۱۰۵ توبه (معانی الأخبار، ص ۳۹۲، ح ۳۷)، «ابی ره قال حدثنا محمد بن یحیی عن ابی سعید الأدمی عن الحسن بن علی بن ابی حمزه عن ابیه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» ۳۰ حج و ۶ لقمان (همان، ص ۳۹۴، ح ۱) «حدثنا المظفر بن جعفر بن المظفر العلوی قال حدثنا جعفر بن محمد بن مسعود عن ابیه (حلقه فرعی) قال حدثنا الحسين بن اشکیب قال حدثنا محمد بن السری عن الحسين بن سعید (حلقه اصلی) عن محمد بن ابی عمیر عن علی بن ابی حمزه عن عبد الأعلى^۳ عن معصوم علیه السلام» ۳۱ نور (همان، ص ۱۶۲،

۱. ثابت بن دینار صاحب کتابی در موضوع تفسیری و یا علوم قرآنی نمی باشد (ر. ک: فهرست طوسی، ص ۱۰۵).
 ۲. حدثنا محمد بن احمد بن السنائی (این سند با سند روایت ششم مشترک است) و علی بن احمد بن محمد الدقاق (این سند با سند چهار روایت اول مشترک است) و الحسین بن ابراهیم بن احمد بن هشام و علی بن عبد الله الوراق عنهم قالوا محمد بن ابی عبد الله الكوفی قال حدثنا موسى بن عمران النخعی عن الحسين بن یزید النوفلی عن علی بن ابی حمزه (دو سند آخر که یکی با حسین بن ابراهیم شروع می شود و دیگری با علی بن عبد الله هردو سند از راوی دوم به بعد یعنی محمد بن ابی عبد الله تا بطائنی با راوی دوم به بعد سند ذیل چهار روایت اول مشترک می شود).
 ۳. عبد الأعلى بن اعین صاحب کتاب نمی باشد (ر. ک: رجال طوسی، ص ۲۴۲).

ح ۲)، «محمد بن الحسن بن احمد بن الولید ره (حلقه فرعی) قال حدثنا محمد بن الحسن الصفار^۱ (حلقه فرعی) عن احمد بن محمد (حلقه اصلی) عن الحسن بن علی الوشاء عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» ۸ تحریر (همان، ص ۱۷۴، ح ۲) «محمد بن الحسن بن احمد بن الولید ره (حلقه فرعی) قال حدثنا محمد بن الحسن الصفار (حلقه فرعی) عن احمد بن محمد (حلقه فرعی) عن موسی بن القاسم البجلی^۲ (حلقه اصلی) عن علی بن ابی حمزه عن معصوم علیه السلام» نقل شده که با توجه به اسناد آنها، این روایات از طریق حلقه مشترک به کتاب شیخ صدوق انتقال یافته است و تنها یک روایت ذیل آیه ۲۸ زخرف (همان، ص ۱۳۱ و ۱۳۲، ح ۱) است که با توجه به سند آن «حدثنا محمد بن احمد السنائی عنه قال حدثنا محمد بن ابی عبد الله الكوفی قال حدثنا موسی بن عمران النخعی عن الحسين بن یزید النوفلی عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» احتمال می رود که مستقیم از کتاب بطائنی گرفته شده است، چرا که از شیخ صدوق تا بطائنی، راوی ای که صاحب کتاب تفسیری باشد، وجود ندارد؛ البته چون این سند چندان در معانی الأخبار تکرار نشده است، این احتمال نیز وجود دارد که از کتاب غیر تفسیری حسین بن یزید النوفلی (حلقه مشترک) به کتاب من لا یحضره الفقیه منتقل شده باشد.

کتاب التوحید (شیخ صدوق)

در مجموع از این کتاب چهار روایت تفسیری از بطائنی است. دو روایت آن ذیل آیات ۱۰۶ مؤمنون (التوحید، ص ۳۵۶، ح ۲) و ۶۵ مدثر (همان، ص ۱۹ و ۲۰، ح ۶) دارای سند واحد هستند که این دو روایت با توجه به سند آنها «حدثنا ابی (حلقه فرعی) و محمد بن الحسن بن احمد بن الولید (حلقه فرعی) قال حدثنا محمد بن الحسن الصفار (حلقه فرعی) قال حدثنا محمد بن الحسن ابی الخطاب عن علی بن اسباط (حلقه اصلی) عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام»^۳ از طریق حلقه مشترک به کتاب شیخ صدوق راه یافته اند و دو روایت دیگر ذیل آیه ۴۸ و ۴۹ قمر (همان، ص ۳۸۲، ح ۲۹)، «حدثنا علی بن احمد بن محمد الدقاق عن محمد بن ابی عبد الله کوفی عن موسی بن عمران نخعی عن الحسين بن یزید النوفلی عن علی بن ابی حمزه عن معصوم علیه السلام» و فضیلت سوره توحید (همان، ص ۹۵، ح ۱۵) «حدثنا الحسين بن ابراهیم

۱. کتب محمد بن الحسن الصفار همانند کتب الحسين بن سعید است (ر.ک:، فهرست طوسی، ص ۴۰۸).

۲. کتب موسی بن القاسم البجلی همانند کتب الحسين بن سعید است (ر.ک: همان، ص ۴۵۳).

۳. در مجموع، دو سند است: یکی از طریق پدر صدوق و دیگری از طریق ابن ولید.

بن احمد بن هشام عن محمد بن ابی عبد الله الكوفی قال حدثنا موسى بن عمران النخعی عن الحسين بن یزید النوفلی عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام، با اسناد مختلف نقل شده‌اند که هر دو سند در مجموع، ۹ بار^۱ از راوی دوم یعنی محمد بن ابی عبد الله الكوفی تا بطائنی تکرار شده است (راویان اول صاحب کتاب نیستند)، بنابراین به جهت تکرار اسناد مشترک منتهی به مؤلف، احتمالاً روایات مستقیم از کتاب بطائنی گرفته شده‌اند.

کتاب الأمالی (شیخ صدوق)

در مجموع از این کتاب دو روایت تفسیری از بطائنی است.

یک روایت ذیل آیه ۸ و ۹ نجم (الأمالی، ص ۱۵۰، ح ۲۱) است که شیخ صدوق آن را به چهار طریق نقل کرده است و با توجه به سند آن «حدثنا محمد بن احمد بن السنائی و علی بن احمد بن محمد الدقاق و الحسين بن ابراهیم بن احمد بن هشام و علی بن عبد الله الوراق عنهم قالوا محمد بن ابی عبد الله الكوفی قال حدثنا موسى بن عمران النخعی عن الحسين بن یزید النوفلی عن علی بن ابی حمزه عن ثابت بن دینار عن معصوم علیه السلام»، در این چهار طریق، از شیخ صدوق تا بطائنی راوی صاحب کتاب تفسیری وجود ندارد، همچنین این سند از راوی دوم یعنی محمد بن ابی عبد الله الكوفی تا بطائنی فراوان در این کتاب تکرار شده است، بنابراین، به جهت تکرار اسناد مشترک منتهی به مؤلف از راوی دوم^۲ و اینکه راویان اول نیز صاحب کتاب تفسیری نیستند، محتمل است که این روایت از خود کتاب التفسیر بطائنی نقل شده باشد.

روایت دوم ذیل آیات ۳ الی ۷ غاشیه (همان، ص ۶۲۶ و ۶۲۷، ح ۴) است که با توجه به سند آن «حدثنا محمد بن الحسن (حلقه فرعی) قال حدثنا الحسين بن الحسن بن ابان عن الحسين بن سعید (حلقه اصلی) عن محمد بن ابی عمیر عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام»، این روایت از طریق حلقه مشترک به الأمالی انتقال یافته است.

کتاب الأمالی (شیخ مفید)

از این کتاب تنها یک روایت تفسیری از بطائنی ذیل آیه ۶۰ مؤمنون (الأمالی، ص ۱۹۶، ح ۲۴) یافت شد که با توجه به سند آن «حدثنا محمد بن محمد بن النعمان الحارثی أدام الله حراسته قال

۱. التوحید، ص ۱۹، ح ۴، ص ۲۰، ح ۷، ص ۹۵، ح ۱۵، ص ۱۱۷، ح ۲۰، ص ۱۳۴، ح ۳، ص ۱۸۴، ح ۲۰، ص ۲۸۰، ح ۷، ص ۳۸۲، ح ۲۹، ص ۴۰۳، ح ۱۰.
 ۲. همان، ص ۱۵، ح ۷، ص ۱۵۰، ح ۲۱، ص ۲۷۹، ح ۷، ص ۳۰۰، ح ۲۱، ص ۶۲۴، ح ۱، ص ۶۳۱، ح ۴، ص ۶۵۷، ح ۷، ص ۶۷۰، ح ۱۰ (در مجموع ۸ بار این سند از راوی دوم تا بطائنی تکرار شده است).



حدثنی أحمد بن محمد عن أبيه محمد بن الحسن بن الوليد القمي (حلقه فرعی) عن محمد بن الحسن الصفار (حلقه فرعی) عن العباس بن معروف عن علی بن مهزیار ۱ (حلقه فرعی) عن الحسين بن سعيد الأهوازی (حلقه اصلی) عن القاسم بن محمد عن علی بن ابی حمزه عن معصوم علیه السلام این روایت از طریق حلقه مشترک به الأمالی انتقال یافته است.

کتاب الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد (شیخ مفید)

از این کتاب تنها یک روایت تفسیری از بطائنی در ذیل آیه ۵۳ فصلت (الإرشاد، ج ۲، ص ۳۷۳) بیان شده که با توجه به سند این روایت «علی بن ابی حمزه عن معصوم علیه السلام» سند مرسل و کامل نیست و تنها به وسیله محتوای روایت می‌توان گفت که این روایت از کتاب التفسیر بطائنی گرفته شده است.

کتاب المقنعة (شیخ مفید)

از این کتاب نیز تنها یک روایت در فضیلت سوره روم و عنکبوت (المقنعة، ص ۳۳۳) است که سند این روایت نیز کامل نیست «روی الحسن بن علی بن ابی حمزه عن ابيه عن معصوم علیه السلام» و از حسن بن علی بن ابی حمزه شروع می‌شود. بنابراین این روایت نیز با توجه به محتوای آن و همچنین وجود بطائنی در سند می‌توان گفت که از کتاب التفسیر بطائنی به کتاب فضائل القرآن حسن بن علی بن ابی حمزه و از آنجا به کتاب شیخ مفید انتقال یافته باشد (حلقه مشترک).

کتاب تهذیب الأحکام (شیخ طوسی)

از این کتاب هفت روایت تفسیری از بطائنی است که پنج روایت آن ذیل آیات ۱۷۸ بقره و ۴۵ مائده (تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۱۷۹، ح ۱۵) «احمد بن محمد (اشعری) عن علی بن الحکم الانباری عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» ۹۷ آل عمران (همان، ج ۵، ص ۴۵۹، ح ۱۵۹۴) (احمد بن محمد (حلقه فرعی) عن الحسين بن سعيد (حلقه اصلی) عن القاسم بن محمد عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» فضیلت سوره روم و عنکبوت (همان، ج ۳، ص ۳۰۰، ح ۲۶۱) «علی بن حاتم عن محمد بن جعفر قال حدثنی محمد بن احمد (عمران اشعری) عن محمد بن حسان الرازی (حلقه فرعی) عن اسماعیل بن مهران (حلقه فرعی) عن الحسن بن علی بن ابی حمزه (حلقه اصلی) عن ابيه عن ابی بصیر عن

۱. علی بن مهزیار دارای کتاب تفسیری می‌باشد (ر. ک: رجال نجاشی، ص ۲۵۳).

معصوم علیه السلام» ۶ لقمان (همان، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۱۴۵) «الحسین بن سعید عن علی بن ابی حمزه عن معصوم علیه السلام»^۱، ۱ قدر (همان، ج ۴، ص ۱۹۳، ح ۷) «الحسین بن سعید عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» با اسناد مختلف بیان شده و هر پنج روایت، از طریق حلقه مشترک به کتاب شیخ طوسی راه یافته‌اند و دو روایت ذیل آیات ۲۳۵ بقره (ج ۷، ص ۴۷۱، ح ۹۴)^۲ «محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن علی بن الحکم عن علی بن ابی حمزه عن معصوم علیه السلام» و ۱۰۰ و ۹۹ مؤمنون (همان، ج ۴، ص ۱۱۱، ح ۵۹)^۳ «محمد بن یعقوب مرسلا عن یونس بن عبدالرحمن عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» را نیز به استناد کتاب الکافی آورده است؛ چرا که یکی از مصادر این دو روایت کتاب کافی است و اسناد آن مشترک است.

کتاب الاستبصار فیما اختلف من الاخبار (شیخ طوسی)

از این کتاب دو روایت تفسیری با اسناد مختلف از بطائنی است، یکی ذیل آیه ۹۷ آل عمران (الاستبصار فیما اختلف الاخبار، ج ۲، ص ۱۴۰، ح ۵) «فما رواه الحسین بن سعید عن القاسم بن محمد عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» و دیگری ذیل ۶ لقمان (همان، ج ۳، ص ۶۲، ح ۷) «محمد بن الحسن طوسی عن الحسین بن سعید عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» که با توجه به اسناد آنها هر دو روایت، از طریق حلقه مشترک به الاستبصار راه یافته‌اند.

کتاب الغیبة (شیخ طوسی)

از این کتاب تنها یک روایت تفسیری از بطائنی ذیل آیه ۳۰ ملک است. (الغیبه، ص ۱۵۸) که با توجه به سند آن «فمن ذلك ما اخبرنا به جماعة عن ابی احمد التلعکبری عن احمد بن علی الرازی عن محمد بن جعفر الاسدی عن سعد بن عبدالله (حلقه فرعی) عن موسی بن عمر بن یزید عن علی بن اسباط (حلقه اصلی) عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» این روایت از طریق حلقه مشترک به الغیبه راه یافته است.

۱. با توجه به طریق طوسی به کتب حسین بن سعید در المشیخه این روایت را از کتاب حسین بن سعید گرفته است.

۲. این روایت با استناد از الکافی است (ر. ک: الکافی، ج ۵، ص ۴۳۵، ح ۱)

۳. این روایت با استناد از الکافی است (ر. ک: الکافی، ج ۳، ص ۵۰۳، ح ۳)

کتاب تأویل الآيات في فضائل العترة الطاهرة (استرآبادی)

از این کتاب چهار روایت تفسیری از بطائنی است که هر چهار روایت ذیل آیات ۲۸ ملک (تأویل الآيات، ص ۴۲۸) «ما روی عن علی بن اسباط عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام»، ۵۳ فصلت (همان، ص ۵۲۷) «قال محمد بن عباس^۱ حدثنا جعفر بن مالک عن القاسم بن اسماعیل الانباری عن الحسن بن علی بن ابی حمزه عن ابیه عن ابراهیم^۲ عن معصوم علیه السلام»، ۸۳ صافات (همان، ص ۴۸۵ و ۴۸۶) «قال محمد بن عباس ره (حلقه فرعی) عن محمد بن وهبان عن ابی جعفر محمد بن علی بن رحیم عن محمد بن العباس^۳ (حلقه اصلی) قال حدثنی ابی عن الحسن بن علی بن ابی حمزه عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن جابر بن یزید جعفی^۴ عن معصوم علیه السلام»، ۷۱ ص همان، ص ۴۲۹) «قال محمد بن عباس ره (حلقه فرعی) حدثنا احمد بن قاسم عن احمد بن محمد السیاری عن محمد بن خالد البرقی (حلقه فرعی) عن علی بن اسباط (حلقه اصلی) عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن معصوم علیه السلام» با اسناد مختلف بیان شده و از طریق حلقه مشترک از بطائنی به ابن ماهیار و از ابن ماهیار به تأویل الآيات راه یافته است.

نتیجه گیری

بر اساس آنچه که گذشت، با بازیابی کتاب التفسیر بطائنی بر اساس روش اسنادی توانستیم در مجموع ۱۱۸ روایت تفسیری از این کتاب را بازیابی نماییم که این روایات از ۲۴ مصدر گرفته شده و بیشترین آن مربوط به کتاب الکافی است. با نگاهی به اسناد این روایات، ۱۵۱ سند از کتب تفسیر روایی و حدیثی استخراج شده است (با در نظر گرفتن اسناد مرسل) که در نه سند آن، نام بطائنی در اسناد نیست (هفت روایت از تفسیر عیاشی و یک روایت از کتاب من لا یحضره الفقیه و یک روایت در مصباح المتهجد)، اما از آن جایی که در کتاب نجاشی بیان شده است بطائنی اکثر روایات کتاب التفسیر خویش را از

۱. محمد بن عباس دارای کتابی به نام منازل القرآن می باشد (ر. ک: رجال نجاشی، ص ۳۷۹)

۲. ابراهیم بن میمون صاحب کتاب نمی باشد (ر. ک: رجال طوسی، ص ۱۶۷)

۳. محمد بن العباس بن عیسی دارای کتاب تفسیری می باشد (ر. ک: رجال لنجاشی، ص ۳۴۱).

۴. جابر بن یزید جعفی صاحب کتاب تفسیری است (ر. ک: همان، ص ۱۲۸)؛ اما به جهت آنکه بطائنی به واسطه ابوبصیر از او نقل روایت می کند، در نهایت به جهت ابوبصیر در سند و همچنین سیاق روایت احتمالاً ابوبصیر از طریق سماع روایت را از جابر بن یزید گرفته باشد، بنابراین، این روایت نیز به احتمال فراوان از کتاب التفسیر بطائنی گرفته شده باشد.

ابوبصیر گرفته، با توجه به نام ابوبصیر در اسناد و تفسیری بودن روایات و در برخی موارد با مقایسه مصادر دیگر که در اسناد آنها نام بطائنی وجود دارد، می‌توان گفت که این روایات به احتمال فراوان از کتاب بطائنی است، و در ۱۴۲ سند دیگر نام بطائنی وجود دارد که در ۱۱۰ سند، بطائنی به واسطه ابوبصیر از معصوم نقل روایت می‌کند که وجود ابوبصیر در اسناد، نشان‌دهنده اقتباس این روایات از کتاب بطائنی است. اما در ۲۱ سند، بطائنی، مستقیماً از معصوم نقل روایت می‌کند و در ۱۱ سند به واسطه راویان دیگر از معصوم نقل روایت می‌کند، که این راویان واسطه یا صاحب کتاب نیستند و یا اگر صاحب کتاب هستند، کتاب تفسیری ندارند؛ تنها در روایتی، یک راوی به نام جابر بن یزید جعفی است که صاحب کتاب تفسیری است، اما به جهت آنکه بطائنی به واسطه ابوبصیر از او نقل روایت می‌کند، در نهایت به جهت ابوبصیر در سند و همچنین سیاق روایت احتمالاً ابوبصیر از طریق سماع روایت را از جابر بن یزید گرفته باشد، بنابراین این روایت نیز از کتاب بطائنی گرفته شده است. بر اساس آنچه که گفته شد و بنا بر مشی اصحاب که روایات تفسیری را از کتب تفسیری اخذ می‌کردند، بنابراین، می‌توان گفت مأخذ و منبع اولیه این روایات، کتاب التفسیر بطائنی است. همچنین از مجموع ۱۵۱ سند، استخراج شده، ۸۷ سند مشمول قاعده حلقه مشترک است و ۳۱ سند مشمول قاعده تکرار اسناد مشترک منتهی به مؤلف است و ۲۰ سند به جهت مرسل بودن تنها با روش محتوایی و یکی بودن موضوع روایات با عنوان کتاب و مقایسه با مصادر دیگر قابل بازیابی است و ۳ سند نیز به جهت وجود قاسم بن محمد و نبود راوی صاحب کتاب از مؤلف تا بطائنی می‌توان گفت که مستقیم از کتاب بطائنی گرفته شده باشد و در نهایت سه سند نیز از مشیخه الفقیه گرفته شده که با توجه به اینکه در این سند به علی بن ابی حمزه، راوی صاحب کتاب با موضوع تفسیری وجود ندارد می‌توان احتمال داد که این سند در مشیخه، طریق به کتاب بطائنی است.

در نهایت با بازیابی روایات کتاب التفسیر بطائنی می‌توان گفت: روایات این کتاب در ذیل سوره‌های حمد، بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف، توبه، یونس، هود، یوسف، رعد، ابراهیم، نحل، اسراء، کهف، مریم، طه، حج، مؤمنون، نور، قصص، عنکبوت، روم، لقمان، احزاب، فاطر، یس، صافات، ص، زمر، غافر، فصلت، زخرف، مجادله، حجرات، انبیاء، شوری، فتح، ذاریات، نجم، قمر، الرحمن، واقعه، حدید، صف، طلاق، تحریم، ملک، مدثر، تکویر، طارق، اعلی، غاشیه، فجر، بلد، ضحی، قدر، عادیات و توحید است که با نگاهی به این روایات

تفسیری می‌توان گفت این راوی تقریباً از اول تا آخر قرآن کریم ذیل ۶۰ سوره، روایت تفسیری دارد و این ناظر به کامل بودن و همه‌جانبه بودن این کتاب تفسیری در کل قرآن است. در نتیجه می‌توان گفت، جامعیت نسبی از ویژگی‌های این کتاب است.



کتاب نامه

- الأرشاد في معرفة حجج الله العباد، مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، تحقيق: مؤسسه آل البيت، قم، كنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ. ق.
- الاستبصار فيما اختلف من الاخبار، طوسی، محمد بن حسن، تحقيق: حسن خراسان، تهران: دار الكتب الاسلامية، ۱۳۹۰ هـ. ق.
- الأمالی، طوسی، محمد بن حسن، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ هـ. ق.
- الأمالی، مفید، محمد بن محمد بن نعمان، تحقيق: علی اکبر غفاری و حسین استاد ولی، قم، كنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ. ق.
- الأمالی، ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسين، چاپ ششم، تهران: انتشارات کتابچی، ۱۳۷۶ هـ. ش.
- الإمامة و التبصرة من الحيرة، بن بابویه، علی بن الحسين، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۴ هـ. ق.
- التوحيد، ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسين، تحقيق: هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ هـ. ق.
- الذريعة الى تصانيف الشيعة، آقا بزرگ تهرانی، محمد بن حسن، بيروت: دار الاضواء، بی تا.
- الزهد، اهوازی، حسین بن سعید، قم، المطبعة العلمية، ۱۴۰۳ هـ. ق.
- الغيبة، محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، تحقيق: علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ هـ. ق.
- الغيبة للحجة، طوسی، محمد بن حسن، تحقيق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: دار المعارف الاسلامية، ۱۴۱۱ هـ. ق.
- الكافي، کلینی، محمد بن یعقوب، تحقيق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الكتب الاسلامية، ۱۴۰۷ هـ. ق.
- المحاسن، البرقی، احمد بن محمد بن خالد، تحقيق: جلال الدین محدث، قم: دار الكتب الاسلامية، ۱۳۷۱ هـ. ش.
- المقنعة، مفید، محمد بن محمد بن نعمان، قم، كنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ. ق.

- بازسازی متون کهن حدیثی شیعه، عمادی حائری، محمد، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۸ هـ. ش.
- بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیہم السلام، صفار قمی، محمد بن الحسن، تحقیق: محسن بن عباسعلی کوچہ باغی، قم: کتابخانه آیت اللہ مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ هـ. ق.
- تأویل الآیات الظاہرة فی فضائل العترة الطاهرة، استر آبادی، علی، تحقیق: حسین استاد ولی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۹ هـ. ق.
- تفسیر العیاشی، عیاشی، محمد بن مسعود، تحقیق: ہاشم رسولی محلاتی، تہران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ هـ. ق.
- تفسیر قمی، قمی، علی بن ابراہیم، تحقیق: طیب موسوی جزائری، تہران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۴ هـ. ق.
- تہذیب الاحکام، طوسی، محمد بن حسن، تہران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ هـ. ق.
- ثواب الأعمال، ابن بابویہ، محمد بن علی بن الحسین، قم: دار الشریف الرضی، ۱۴۰۶ هـ. ق.
- رجال النجاشی (فہرست اسماء مصنفی الشیعة)، نجاشی، احمد بن علی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۵ هـ. ش.
- رجال الطوسی، طوسی، محمد بن حسن، تحقیق: جواد قیومی، چاپ سوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۳ هـ. ش.
- علل الشرایع، ابن بابویہ، محمد بن علی بن الحسین، قم: داوری، ۱۳۸۵ هـ. ش.
- فہرست کتب الشیعة و اصولہم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، الطوسی، محمد بن حسن، قم: انتشارات ستارہ، ۱۴۲۰ هـ. ق.
- کامل الزیارات، ابن قولویہ، جعفر بن محمد، نجف: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ هـ. ش.
- کتاب من لا یحضرہ الفقیہ، ابن بابویہ، محمد بن علی بن الحسین، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ هـ. ق.
- کتاب زید بن وہب جہنی، مردانی، مہدی، قم: انتشارات دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۹۳ هـ. ش.
- کمال الدین و تمام النعمۃ، ابن بابویہ، محمد بن علی بن الحسین، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۹۵ هـ. ق.
- معانی الأخبار، ابن بابویہ، محمد بن علی بن الحسین، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۳ هـ. ق.

- مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، طوسی، محمد بن حسن، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۲ هـ. ق.

- میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین، مدرسی طباطبایی، حسین، ترجمه: علی قرائی و رسول جعفریان، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، ۱۳۸۳ هـ. ش.

پایان نامه و مقالات

- «بازیابی منابع تفسیر قمی»، رحمان ستایش، محمدکاظم و شهیدی، روح الله، حدیث پژوهی، شماره نهم، ۱۱۳ - ۱۵۲، بهار و تابستان ۱۳۹۲ هـ. ش.

- «تاریخ گذاری روایات بر مبنای تحلیل اسناد»، آقای، علی، علوم حدیث، شماره ۴۱، ص ۱۴۵-۱۶۸.

- روایات تفسیری علی بن ابی حمزه بطائنی (بازیابی، گونه شناسی و اعتبارسنجی)، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، جمالی، مرضیه، به راهنمایی دکتر علی راد، قم، دانشگاه قرآن و حدیث، شهریور ۱۳۹۳ هـ. ش.

